

## تخریب اول بقاع بقیع و دیگر تحولات جزیره العرب با تأکید بر کتاب تقاریر نجد

سید محمود سامانی (ره)<sup>۱</sup>

### چکیده

بقیع به عنوان نماد هویت اسلامی و بخشی از حافظه تاریخی مسلمانان و به دلیل اینکه مدفن چهار امام شیعه، همسران رسول خدا، تعداد بسیاری از صحابه، تابعین و اندیشوران است، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان و به ویژه شیعیان دارد. در قرون گذشته بسیاری از قبور افراد شاخص مدفون در بقیع دارای بقعه بوده است که با تسلط آل سعود بر مدینه منوره، آنان در سال ۱۲۲۰ قمری و با این استدلال که بنای بر قبور بدعت محسوب می‌شود، به تخریب این بناها پرداختند.

این ویرانی بدون توجه به اهمیت دینی و تاریخی این بناها انجام شد و اقدام نسنجیده‌ای بود که خشم بسیاری از مسلمانان را برانگیخت و همراه عواملی دیگر، زمینه سقوط دوره اول حکومت آل سعود را در سال ۱۲۲۸ قمری مهیا ساخت. چنین اقدام دردناکی در آثاری چون تقاریر نجد و بر مبنای گزارش‌های دولتمردان عثمانی به صورت اجمالی بازتاب داشته است. در این اثر به بسترها و زمینه‌های داخلی و خارجی ظهور وهابیت و تفاهم سعودی - وهابی بر اساس اسناد عثمانی، پرداخته شده که می‌تواند به فهم بهتر اقدامات

۱. دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی، مدیر سابق گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت

(Mahmud.samani@gmail.com)

آنان یاری رساند. مقاله حاضر متکفل پرداختن به موضوع تخریب بقاع بقیع در دوره نخست حکومت آل سعود، علل، چگونگی و پیامدهای آن با تأکید بر اثر یادشده است.

کلیدواژه‌ها: تقاریر نجد، بقیع، آل سعود، تخریب اول

## مفهوم‌شناسی

### تقاریر نجد:

این کتاب که به خامه سیدعلی موجانی و با همکاری امیررضا عقیقی بخشایشی سامان یافته، بازتاب دهنده گزارش‌های دولتمردان عثمانی مقارن ظهور محمد بن عبدالوهاب و استقرار دولت نخست آل سعود در نجد و حجاز است. این اسناد از هر حیث برای تحلیل ظهور فرقه وهابی، مناسبات آنان با امپراتوری عثمانی و مهم‌تر از همه، حملات و ویرانگری‌های وحشیانه آنان نسبت به شیعیان و شهرهای عراق دارای اهمیت است. هرچند به نظر می‌رسد عنوان این اثر گرانسنگ گویایی لازم را ندارد، اما در بردارنده اطلاعات ارزشمندی است. موضوعات و مطالب این کتاب عبارت است از:

بخش اول: پیشگفتار که حدود ۱۵۰ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده و در آن به بسترها و زمینه‌های خارجی و داخلی ظهور وهابیت و تفاهم سعودی- وهابی پرداخته شده و از علل و چگونگی گسترش قلمرو و اقدامات آنان پرده برداشته است.

بخش دوم: در این بخش که بسیار قابل توجه و حجم بیشتر کتاب نیز بدان اختصاص یافته، شامل ۱۰۲ فقره سند و گزارش دولت عثمانی در زمان پیدایش محمد بن عبدالوهاب و مجلات آن زمان است که از صفحه ۱۵۷ تا ۵۸۸ این

کتاب را به خود اختصاص داده است و افزون بر تصویر اسناد و ترجمه آنها، تاریخ، کد بازیابی و مکان‌سندها نیز در آرشیوهای جمهوری ترکیه آورده شده است.

این اسناد حاوی اطلاعات ارزشمندی است و از آنها عدم اشراف و کم‌دانشی کارگزاران عثمانی، حتی اشراف حاکم بر حجاز بر تحولات داخلی نجد قابل دریافت است.

در انتهای این کتاب سال‌شمار رویدادهای مهم از ۱۱۰۰ تا ۱۲۳۵ قمری (۱۶۸۸ م تا ۱۸۱۹ م) در حدود بیست صفحه آورده شده که بسیار حائز اهمیت است.

از دیگر مزیت‌های کتاب *تقاریر نجد* داشتن نمایه در پایان کتاب است. این اثر را کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران در سال ۱۳۹۰ در قم و در ۶۲۱ صفحه منتشر کرده است.

پدیدآورندگان این مجموعه از حدود ۹۴ اثر به فارسی و عربی و نیز از دوازده اثر به زبان لاتین و نیز برخی نسخ خطی و مقالات فارسی و عربی (۱۱ اثر) و یک رساله دانشگاهی در مقطع ارشد تحت عنوان «موقف المستشرقین من دعوه الامام محمد بن عبد الوهاب»، که در دانشگاه ام‌القری دفاع شده، بهره‌گیری کرده‌اند. نویسنده کتاب *تقاریر نجد* با رویکرد تحلیلی به سراغ اسناد و مدارک موجود در آرشیوریاست جمهوری ترکیه رفته و سعی کرده براساس این اسناد و مدارک، نکاتی تاریخی از تاریخ وهابیت ارائه دهد و این در حالی است که آثار دیگر موجود درباره تاریخ وهابیت، بیشتر رویکردی توصیفی و کلامی تاریخی دارند و در آنها به منابع محدودی استناد شده و از منابع دیگر که هنوز بررسی نشده‌اند، غفلت شده است. به دلیل اهمیت *تقاریر نجد* این کتاب که به زبان فارسی نگارش یافته به زبان‌های روسی و آلمانی نیز ترجمه شده است.

## بقیع

این مکان به علت رویش درختان خاردار غرقد در آن با نام «بقیع الغرقد» نیز خوانده شده است. (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۱۴۶) پس از هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه و لزوم تعیین آرامستانی برای دفن اموات، آن حضرت آنجا را که در فاصله ای اندک از جنوب شرقی مسجد نبوی و در مسیر باب جبرئیل مسجد قرار داشت (امینی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۵)، به عنوان مکان دفن درگذشتگان مسلمان انتخاب کرد و فرمود «من به این مکان فرمان یافته‌ام». (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۰۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۸۹-۱۹۰) بدین ترتیب آنجا به تدریج و پس از دفن شدن برخی صحابه مانند اسعد بن زراره در سال نخست هجری آرامستان مسلمانان گردید. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۵۹؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۶۰۰).

در این آرامستان افزون بردفن چهار امام شیعه، صدها صحابی، تابعی، اندیشور، سادات صاحب نام و دیگر شخصیت‌های دینی، سیاسی و علمی خاکسپاری شدند که در گذر زمان روی قبور برخی از شخصیت‌ها، بارگاه‌هایی ساخته شد. این آرامستان و بقاع آن پیوسته محل توجه و زیارت مسلمانان بود، اما با تسلط آل سعود بر حرمین در دو مرحله و در دو بازه زمانی این بقاع تخریب شد که در این مقاله تخریب نخست مد نظر است.

## آل سعود

نام خاندانی از قبیله عنزه از زیر مجموعه‌های بنی بکر بن وائل (امین الریحانی، ۱۹۲۸م، ص ۶۲ و ۱۰۸) از قبایل عدنانی است (حسین خلف، ۲۰۰۸م، ص ۱۴۹) یا دارای ریشه غیر عربی و منسوب به فردی به نام مردخای بن ابراهیم بن موشی، تاجری یهودی ساکن در بصره که با آمدن به جایی نزدیک ریاض و نامیدن آن به دُرعیه

(ناصرسعید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴-۱۵) نام خود را به «مرخان بن ابراهیم بن موسی» تغییر داد. او با قبایل آنجا وصلت کرد و نام فرزندش را از ماقرن به مقرن تغییر داد و به این صورت به خود هویت عربی داد.

نام یکی از پسران مقرن، سعود بود که آل سعود بدو نسب می‌برند. این خاندان از سال ۱۱۳۹ قمری تاکنون سه دوره حکومت تشکیل دادند و هر بار طی لشکرکشی‌ها به مرور حکومت خود را در سراسر نجد، حجاز و مناطق دیگر شبه جزیره عربستان گسترش دادند. آنان در دوره اول حکومتشان (۱۱۳۹-۱۲۲۳ق) برای چند سال و در دوره سوم حکومت خود (۱۳۱۹ق. تاکنون) بر حجاز و شهرهای مقدس آن (مکه مکرمه و مدینه منوره) مسلط شدند و در هر دو بار نیز به تخریب بقاع بقیع پرداختند. آل سعود در دوره اول حکومت خود در سال ۱۲۲۰ قمری با تصرف مدینه منوره بقاع بقیع را ویران کردند. این دوره از حکومت آنان در سال ۱۲۲۸ قمری با حمله ابراهیم پاشا، والی مصر، به پایان رسید و عبدالله بن سعود به دست ابراهیم پاشا دستگیر و به دولت عثمانی تحویل داده شد.

تخریب اول بقاع بقیع: مقصود از تخریب نخست تخریبی است که در دوره اول حکومت آل سعود و پس از تسلط آنان بر حرمین شریفین در سال ۱۲۲۰ قمری در مدینه منوره انجام شد که در این مقاله به این بحث پرداخته می‌شود.

### پیشینه

با استقصای انجام شده جز مقاله‌ای تحت عنوان «گزارشی از تقاریر نجد» نوشته ابوالفضل قاسمی، که در فصلنامه سراج منیر (پیاپی ۱۲، زمستان ۱۳۹۲ش) منتشر شده، مطلبی یافت نشد. این مقاله نیز بیشتر به تحرکات دول استعماری در غرب آسیا متمرکز شده است. در مقاله حاضر تلاش بر آن است که اولاً تخریب اول بقیع

پررنگ آورده شود و ثانیاً بر تمام محتوای کتاب تقاریب نجد به اجمال پرداخته شود تا اهمیت این اثر، که با تکیه بر اسناد سامان یافته، روشن شود.

### محتوای اجمالی کتاب تقاریب نجد

- ظهور وهابیت و تفاهم سعودی - وهابی: در این کتاب ذیل عنوان «محمد بن عبدالوهاب و دنیای معاصرش» ضمن معرفی محمد بن عبدالوهاب و رشد و نمو او در فضایی متفاوت از پیشینیان، به اوضاع سیاسی ایران و عثمانی اشاره کرده است و از تکاپوهای استعماری و تحولات به وجود آمده و قدرت های نوظهور دریایی مانند فرانسه و انگلیس مقارن ظهور عبدالوهاب (موجانی، ۱۳۹۰ش، ص ۳-۶)، شرایط بحرانی نجد و نزاع های موجود در آن در آستانه تولد محمد بن عبدالوهاب به اختصار سخن گفته شده است.

بخش بعدی کتاب با عنوان «داستان شیخ» نویسنده به زمینه های شکل گیری باورهای شیخ و معرفی کتاب *لمع الشهاب فی سیره محمد بن عبدالوهاب* پرداخته است که به رغم ناشناخته بودن مؤلف، گویا نویسنده آن فردی به نام «رابرت تیلور» از کارگزاران بریتانیا در هند و بصره بوده است که او به سبب اطلاع از آثار و تبعات نگارش چنین روایتی در آینده، نخواستہ مسئولیت مطالب را بردوش بگیرد. افزون بر آنکه نوع نگرش و شیوه بیان مطالب کتاب به هیچ اثر دیگری در همین موضوع شباهت ندارد. (موجانی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۰) در این بخش به سفرهای شیخ و مسئولیت های او اشاره شده است.

مؤلف ذیل عنوان «بازگشت شیخ به نجد» به منصب قضای او در حُریمله و پس از آن سفر او به درعیه و پیوند خانوادگی با محمد بن سعود به نخستین اقدام حاصل از «تفاهم سعودی - وهابی» پرداخته و یادآور شده است که این تفاهم نه

در مسیر گسترش دعوت وهابی، بلکه با هدف استیلای بر مسیر تردد شرقی زوار و حجاج از مسقط و لنگه به سوی مکه با تصرف منطقه القصیم صورت گرفت (موجانی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۰) و این حاکی از آن است که آیین وهابی از آغاز با باورها و منافع اعراب نجد تطبیق یافته است.

نزاع‌ها و درگیری‌های خونین میان امرای نجد، احسا، شریف مکه، شیخ جنوب عراق و...، که از سال ۱۱۵۹ قمری آغاز و تا تسلط بر نجد و حجاز ادامه یافت، در قدرت‌گیری آل سعود و وهابیت تأثیر داشته است.

در این بخش مؤلف به رفتار منفعلانه امپراتوری عثمانی در این مقطع اشاره کرده که در ساخت و تکوین هویت سعودی - وهابی بسیار مؤثر بوده است. (موجانی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۲) وی همچنین به فتوای تکفیر شرفای حجاز پس از ناامیدی از حمایت عثمانی و اعلام جهاد آنان علیه وهابیت اشاره کرده است.

«سیاست و حکومت در مناطق پیرامون نجد» از دیگر عناوینی است که مؤلف ذیل آن به اوضاع پریشان عثمانی و عزل و حتی اعدام صدر اعظم‌های عثمانی اشاره کرده و یادآور شده است که این آشفتگی شرایط مناسبی را برای توسعه قلمرو حکام جدید در نجد فراهم ساخت؛ به گونه‌ای که آنان تدریجاً بر بیشتر مناطق نجد دست یافتند.

نویسنده در این قسمت یادآور شده است که آشفتگی در جنوب عراق، اشراف حجاز را بر آن داشت تا برای هشدار به مقامات عثمانی به باب عالی عزیمت کنند و از آنها بخواهند که از حالت انفعال خارج شوند که نتیجه آن درگیری قوای عثمانی مستقر در نجد با وهابیان و شکست نیروهای عثمانی بود. البته پس از آن وهابیان از حکام زیدی نجران شکست خوردند و تا درعیه عقب نشستند.

مؤلف تقاریر نجد ذیل عنوان «ظهور عبد العزیز اول» ضمن اشاره به اشغال کامل ریاض از سوی عبدالعزیز به اوضاع نابسامان خلیج فارس و جدال در مناطق شمالی آن پرداخته که بار دیگر فرصت را برای توسعه قلمرو حکومت مستقل و نوپای برخاسته از «تفاهم سعودی - وهابی» فراهم کرده است؛ به گونه ای که یمامه و احسا به طور کامل در سال ۱۱۹۲ تسلیم عبد العزیز شدند.

«پایه ریزی سیاست مستقل در تهران و بغداد» و «رویکرد قدرت های فرامنطقه ای» دو عنوان دیگری هستند که مؤلف ذیل عنوان اول به فراهم شدن فرصت برای سرکشی نظامی وهابیان به مناطق مختلف نجد و اطراف آن اشاره و ذیل عنوان دوم تحلیل کرده است که برخلاف پافشاری محققان سعودی مبنی بر اینکه رفتار تند امرای سعودی با برخی از عناصر غیرمسلمان برای اجرای احکام شریعت اسلامی و دور نگاه داشتن کفار و مشرکان از سرزمین های مقدس بوده، متذکر شده است که رویکرد عبدالعزیز و فرزندش سعود و همپیمانان وهابی آنها از این الگوی رفتاری پیروی نمی کرده است و آنان با نمایندگان سیاسی - تجاری بریتانیا در ارتباط بوده اند و تفاهم نامه امضا کرده اند. (موجانی، ۱۳۹۰، ش، صص ۳۵ - ۳۴) البته سایه ابهام و تردید در باب کیفیت مناسبات مقامات بریتانیایی منطقه با «تفاهم سعودی - وهابی» در تاریخ خاورمیانه، همچنان گسترده و راه برای در نظر گرفتن هرگونه احتمال باز است. «نقش شامات و آغاز رقابت والیان» عنوان دیگری از کتاب تقاریر نجد است که ذیل آن به انتخاب جزار احمد پاشا، والی عکا به سمت امیرالحاج کاروان مهم شام اشاره کرده و یادآور شده است که برخی محققان می گویند که انتخاب وی به این سمت با هدف تأثیرگذاری مستقیم بروهابیان نجد صورت پذیرفته است؛ از این رو که نسب وی را به خاندان پیامبر ﷺ رسانده اند.



مؤلف در این بخش به رقابت والیان دولت عثمانی در مناطق گوناگون مانند سلیمان پاشا و جزارا حمد اشاره و به سیاست عثمانیان برای جلوگیری از افزایش قدرت ایشان و ایجاد نوعی رقابت میان والیان برای تقرب بیشتر به مقام خلافت و سلطنت اشاره کرده است.

عنوان بخش دیگری از کتاب *تقاریر نجد*: «هدف‌گزینی نجد: عتبات عالیات» است. نویسنده در این بخش به سبب توجه وهابیان به عراق پرداخته و از انگیزه‌های محتمل مذهبی، مادی و نیز بهره‌برداری صدر اعظم عثمانی از تعرض و دسترسی قوای وهابی به سوی مرزهای ایران سخن گفته است. در این قسمت چگونگی سلطه آل سعود بر امارت احسا، که زمینه همجواری میان امارت وهابی در نجد و امامت اباضی در مسقط را فراهم ساخت، بازتاب یافته و یادآوری شده است که در این برهه، بریتانیا سیاست عدم تعرض میان نجد و مسقط را در دستور کار خود قرار داده بود.

نویسندگان کتاب ذیل عنوان: «تعرض و تخریب بقاع مقدسه» به لشکرکشی بیست هزار نفری شریف مکه به درعیه و شکست آنها از وهابیان که موجب روی‌آوری بسیاری از قبایل اطراف شهرهای حرمین با وهابیان شد اشاره کرده‌اند و یادآور شده‌اند که در این شرایط و پس از ابلاغ فتوای شیخ محمد بن عبدالوهاب به علمای مکه، جهت پیکان تعرضات پراکنده قوای تفاهم سعودی - وهابی اکنون به سوی مکه و با هدف سیاست تخریب قبور تغییر یافته است.

در این بخش به مرگ شیخ محمد بن عبدالوهاب در ۱۲۰۶ قمری، و آخرین فتوایش برای تخریب قبور و آغاز دور جدیدی از حملات بعدی نیروهای تجمیع شده سعودی - وهابی اشاره شده است. (موجانی، ۱۳۹۰ش، ص ۴۶)

«تأثیر حمله ناپلئون بر حوادث نجد و حجاز» و «اقدام بغداد در لشکرکشی به نجد» دو عنوان دیگری هستند که ذیل عنوان دوم مؤلف به فروپاشی سپاه اعزامی سلیمان پاشا به احسا و توافق شش ساله با وهابیان اشاره کرده است. از پیامدهای این رویداد کاسته شدن هیبت و توان ارتش عثمانی در نظروهابیان و ورود نجد به صحنه مذاکرات و دیپلماسی جهانی دانسته شده است؛ چنان که دولت عثمانی مجبور شد مجوز ورود حجاج وهابی نجد به سرپرستی سعود بن عبدالعزیز به مکه را بدهد که نشان از به رسمیت شناختن قدرت نوخاسته و معارض بود. (موجانی، ۱۳۹۰ش، ص ۵۹)

«تغییر در توازن قوای درونی شبه جزیره» از عناوین دیگر کتاب تقاریر نجد است که در آن به پیوستن قبیله مهم بنی حرب به تفاهم سعودی - وهابی پرداخته شده که این رویداد برخلاف برآوردهای اولیه عثمانی، ضمن تسهیل تسلط آل سعود بر مکه، موجب افزوده شدن شمار متحدان وهابی و فراهم شدن فرصت های تازه برای توسعه سرزمین های تحت سلطه وهابیان شده است. (موجانی، ۱۳۹۰ش، ص ۶۲)

مجموع حوادث سال های ۱۲۱۳ - ۱۲۱۴ قمری (سیاست عبدالعزیز با هدف تسخیر مکه از یک سو و تعرضات دریایی برخی قبایل از سوی عرب مهاجر به کشتی ها در خلیج فارس) در توازن قوا تغییری به وجود آورد و نمایش آشکاری از قدرت و جمعیت وهابیان در شبه جزیره و نشانگر همبستگی آنها در نیل به اهداف سیاسی بود. شاید همین عامل بود که بریتانیا را بر آن داشت تا با اعزام نماینده ای ویژه به درعیه باب مذاکرات مستقیم با عبدالعزیز را بگشاید. (موجانی، ۱۳۹۰ش، ص ۶۷)

«عراق صحنه اجرای سیاست تقابل وهابی - شیعی» موضوعی است که در کتاب تقاریر نجد چند صفحه بدان اختصاص یافته و یادآوری شده است که امیر سعودی پس از مراسم سال ۱۲۱۴ قمری و با توجه به خلأ قدرت و درگیری های

امپراتوری عثمانی تصمیم گرفت تالشگرکشی های خود را متوجه خارج شبه جزیره کند که نخست نجف اشرف در نظر گرفته شد؛ زیرا اولاً با اقدامات نادرشاه افشار و پس از او ثروت زیادی در آن شهر وجود داشت و ثانیاً انهدام گنبد و بارگاه تربت علوی می توانست احساسات مذهبی وهابیان را تسکین دهد. هرچند نجف چهار ماه در محاصره قرار گرفت، اما به سبب حصار مستحکم شهر و نیز مقاومت و مبارزه علما و مردم سقوط نکرد.

این رویداد دوباره آل سعود را متوجه گسترش قلمرو در درون شبه جزیره کرد و آنان پس از تصرف بندرگاه قطیف با حمله به احد، گنبدهای افراشته تربت شهدای احد را تخریب کردند. (موجانی، ۱۳۹۰ش، صص ۷۰ - ۶۹) محاصره نجف و سپس استمداد اهالی کربلا، افکار عمومی ایرانیان را برانگیخت و نظام حاکمیتی ایران را متوجه پدیده جدیدی کرد که می توانست برای اتباع و منافع ایران تهدیدی بالقوه باشد؛ از این رو فتحعلیشاه قاجار بر آن شد تا در این زمینه اقدام کند. (موجانی، ۱۳۹۰ش، ص ۷۲) در این زمان شریف مکه نیز برای شکست دادن وهابیان پیشنهاد ائتلاف چهارجانبه بغداد، شام، مکه و مسقط را داد که جدی گرفته نشد و آن در دستور کار سلیمان پاشا (والی بغداد) و یوسف ضیاء پاشا (صدر اعظم عثمانی) قرار نگرفت؛ به رغم آنکه ارزیابی شریف مکه را در آن مقطع تاریخی می توان منطبق با واقعیت دانست. (موجانی، ۱۳۹۰ش، صص ۷۶ - ۷۴)

«قدرت های بزرگ و تفاهم سعودی - وهابی» عنوانی است که ذیل آن با اشاره به توجه بریتانیا به تحولات درونی منطقه نجد و حجاز و اعزام نماینده ای بدان ثوب یادآوری کرده است که ایجاد کمربند امنیتی در غرب آسیا برای کنترل روند توسعه طلبی روسیه و فرانسه مد نظر بریتانیا بوده است؛ به ویژه که امیر نجد

نیز تمایل به همکاری با نمایندگان سیاسی - تجاری بریتانیا را بر فرانسه ترجیح می‌داده است. (موجانی، ۱۳۹۰ ش، ص ۷۸)

«فاجعه کربلا» عنوان دیگر کتاب *تقاریر نجد* است که آن اوج حضور نظامی وهابیان در عتبات مقدسه عراق دانسته شده و از دلایل آن بی‌توجهی و ساده‌انگاری مقامات دولت عثمانی در برابر احتمالات، ناآگاهی عمیق آنها از نیت امرای وهابی نجد و چه بسا، رویه نادرست تبدیل بحران وهابی - عثمانی به بحران وهابی - شیعی شمرده شده که در بروز این فاجعه نقش داشته‌اند. مطابق برخی منابع گویا حاکم متعصب کربلا (عمرآغا) با وهابیان برای حمله به آن شهرتباری کرده بود. وهابیان در روز عید غدیر ۱۲۱۶ قمری، که بسیاری از مردم برای انجام سنت تجدید بیعت با امام علی علیه السلام به نجف عزیمت کرده بودند، به کربلا لشکرکشی کردند. وهابیان با ندای «اقتلوا المشرکین» و «اذبحوا الکافرین» صدها نفر از مردم کربلا را، که به تصریح خودشان مسلح نبودند، سربریدند که می‌توان آن را مصداق بارز نسل‌کشی در تاریخ وهابیت دانست. آنان پس از ورود به حرم امام حسین علیه السلام و تخریب مناره‌ها و گنبد و شکستن درب‌ها، ضریح و صندوق، آجرهای طلارا را به سرقت بردند. (موجانی، ۱۳۹۰ ش، صص ۸۳-۸۲) در پی این حادثه وحشتناک، دولت عثمانی به عنوان مسؤل اصلی در سرکوب وهابیان در نجد و یا اکتفا به محافظت از حرمین شریفین دچار تردید بود. دولت ایران نیز با اعزام سفیری به دولت عثمانی خواستار سرکوب وهابیان شد و اعلام کرد که در غیر این صورت رأساً بدان مبادرت خواهند ورزید. (موجانی، ۱۳۹۰ ش، ص ۸۵)

### علت و زمان تخریب اول بقاع بقیع

پیش از پرداختن به بازتاب تخریب بقیع در کتاب *تقاریر نجد* یادآوری این

مطلب لازم است که به رغم دیدگاه مثبت قاطبه اهل سنت به زیارت و ساختن بنا بر قبور، گروه‌هایی از آنان، به ویژه وهابیان، در پرتو افکار ابن تیمیه و با تمسک به روایات ساختن بنای بر قبور را برنتابیده (ابن تیمیه، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۵۰؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۹۲؛ قرطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۷۹) و چنین اقدامی را بدعت و شرک دانسته‌اند. در حالی که از سده دوم قمری ساخت بنا و بارگاه بر قبور در سرزمین‌های اسلامی رایج شد. (مقابر، ج ۱، ص ۲۷)؛ چنان‌که گنبدی به دستور خلیفه عباسی هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳ق) در سده دوم قمری بر قبر امیر مؤمنان علی علیه السلام ساخته شد. (محسن الامین، ۱۳۷۴ش، ص ۳۰۸ و ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۵۳۶) گنبد جعفر (م ۱۸۶ق) (پسر منصور عباسی) نیز گواه وجود بنا و گنبد بر برخی قبور در میانه سده دوم قمری است. (خلیلی، ۱۹۸۷م، ص ۱۵۸)

اعتراض نکردن مسلمانان به ساخت بنا نشان‌دهنده صحت عمل خلفا و اتصال سیره مسلمانان در بنای بر قبور است. (سبحانی، بی تا، صص ۸۰-۷۹) برای این اساس در طول تاریخ بقعه‌ها و گنبد‌هایی بر قبور بزرگان و شخصیت‌های مدفون در بقیع ساخته شد که مشهورترین این بناها عبارتند از: بقعه عثمان بن عفان، ابراهیم فرزند خردسال رسول خدا صلی الله علیه و آله، بقعه قبور ائمه شیعه و عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله

با قدرت گرفتن وهابیان در عربستان، که زیارت قبور را شرک و وجود بقعه و ضریح پیرامون قبور را از مظاهر شرک می‌دانند، رویکرد به بقیع و دیگر زیارتگاه‌ها دچار تحول شد. با قدرت گرفتن وهابیان در حجاز و برخلاف وعده عبدالعزیز بن سعود به مسلمانان و نیز برخلاف اجماع مذاهب (که نباید به سبب اختلاف در فروع مذهبی یکدیگر را تکفیر کنند) آنان حکم ویرانی همه بقعه‌ها را در حجاز صادر کردند (غالب، ۱۳۹۵ق، ص ۱۰۴؛ عثمان بن بشر، ۱۴۲۳ق، ص ۱۳۷؛ یوسف الهاجری، ۱۴۱۱ق، ص ۸۴) و بدون توجه به اهمیت دینی و تاریخی این بناها آنها را ویران کردند.

(حافظ وهبه، ۱۴۲۳ق، ص ۲۷۳؛ بنگاش، ۱۳۶۸ش، ص ۵۷)

قابل یادآوری است که در سال ۱۹۱۷ قمری و پس از سقوط طائف، نیروهای وهابی به رهبری بُدای شهر مدینه را محاصره و به کاروان حجاج حمله کردند، اما در این زمان مدینه سقوط نکرد و با توجه به اینکه احد خارج از حصار مدینه قرار داشت و آسیب پذیرتر بود، آنها قسمت هایی از مسجد حضرت حمزه را تخریب و ضریح، قبر، چلچراغ، قالیچه، اشیای مسی و پرده های گران قیمت آن را به یغما بردند. (ص ۸۹) همچنین وهابیان مرقد علی العریضی (فرزند امام صادق علیه السلام) را سوزاندن و تابوتش را شکستند. پس از آن به آرامستان بقیع هجوم آوردند و به این مکان مقدس اهانت کردند. (ص ۹۰) انعکاس تجاوزهای نیروهای وهابی به حجاز و رفتار وحشیانه آنان با ساکنان کربلا از کان سست سیاست دولت عثمانی در قبال آل سعود و وهابیان را بیشتر متزلزل کرد و آن بخش از دولت عثمانی که کوشیده بود بحران وهابی - شیعی ایجاد کند، اکنون با مشکلات اساسی مواجه شده بود.

ویرانی نخست بقاع بقیع در مدینه منوره در سال ۱۲۲۰ قمری (حسین خلف، ۲۰۰۸م، ص ۳۷۸؛ حافظ وهبه، ۱۳۴۰ق، صص ۲۲۱-۲۲۰؛ عثمان بن بشر، ۱۴۲۳ق، ج ۱، صص ۱۳۷-۱۳۶) پس از آن صورت گرفت که در پی تسلیم شدن شهر سعود بن عبدالعزیز همراه توقیف و تصرف همه اموال موجود در خزائن حرم نبوی، دستور ویران کردن همه گنبد های بقیع را صادر کرد. (غالب، ۱۳۹۵ق، ص ۱۰۴؛ یوسف الهاجری، ۱۴۱۱ق، ص ۸۴) مؤلف *تقاریر نجد* درباره سقوط مدینه و تخریب بقاع بقیع به روایت تأمل برانگیزی اشاره کرده است که مطابق آن اهالی مدینه قبل از ورود نیروهای وهابی تصمیم به تخریب بقاع گرفته بودند، اما یادآوری کرده است که براساس مکاتبه میان بزرگان شهر و سلطان سعودی، تخریب بقاع به دستور سعود انجام شده و گویا یکی از شروط مذاکرات تسلیم شهر به وهابیان و امان دادن به مردم مدینه و تخریب بقاع

بقیع پیش از ورود سپاه آل سعود به داخل شهر بوده است. در صورت صحت این فرض معلوم می‌شود که سعود مایل نبوده است مسئولیت تخریب بقاع شریف در بقیع را به خود متوجه کند. بلکه قصد داشته است با تهدید، ارباب و خشونت اهالی شهر را پیش از ورود سپاه وهابی به این عمل شنیع وادارد و بعد شایع کنند که اهالی مدینه بر اساس عقاید وهابی گنبدها را تخریب و شهر را براو گشوده‌اند. انتشار تصویر سند مکاتبه میان وجوه اهالی شهر و سعود از سوی عجلانی، که چه بسا ناخواسته انجام شده، داوری درباره مسئولیت سعود در تخریب بقیع را آسان‌تر کرده است. افزون بر آن چطور می‌توان باور کرد که مردم مدینه با وجود سال‌ها و بلکه قرن‌ها انس با بارگاه‌های قبرستان بقیع، یک باره و پیش از ورود سپاه وهابی دست به ویرانی آنها دراز کنند!

میان نمایندگان چهارگانه مذاکره‌کننده با قوای وهابی نام فردی به نام حسن القلعی دیده می‌شود. در گزارش‌های بعدی، که مربوط به پایان کار دولت مستقل نجد بر اثر حمله قوای مصری تحت امر ابراهیم پاشا به درعیه است، از دستگیری و اعزام حسن القلعی به باب عالی به سبب همین عمل مذموم و همکاری با قوای وهابیان سخن به میان می‌آید. ظاهراً وی با جمع اشراف مدینه نقش مؤثری در ترغیب آنها برای گشودن دروازه‌های شهر داشت؛ روندی که به تخریب بقاع شریف در بقیع و مدینه النبی انجامید. (موجانی، همان، صص ۱۰۹ - ۱۰۸)

اعیان و اشراف مدینه مدت‌ها پیش از محاصره شهر، وقوع این حوادث ناگوار را در صورت حمله سعود بن عبدالعزیز، حتی با تأکید بر تخریب گنبد تربت پیامبر عظیم‌الشان اسلام و نیز غارت خزانه نبوی، پیش‌بینی کرده بودند. در نامه‌ای که بزرگان به باب عالی نوشته‌اند، اهداف سعود از حمله به مدینه تشریح شده است. (ص ۱۱۰)

صحنه پردازی سعود در حمله به مدینه نشان از محاسبه دقیق او دارد؛ چنان که بیان شد وی تمایل نداشت مسئولیت آنچه را که پیش آمد برعهده بگیرد، با این همه روند حوادث به گونه ای رقم خورد که سعود حتی برخلاف باور و انتظار وهابیان به یکی از مقدس ترین اماکن مسلمانان و نیز مهم ترین بخش از سرزمین های اسلامی تعرض و جسارت روا دارد.

دولت ایران گویا در همین شرایط تصمیم گرفت سفیر ویژه ای برای تبادل اطلاعات درباره طایفه وهابیه به استانبول اعزام کند. همزمان با این تحولات به سبب پناهندگی والی آهیسکا (شریف پاشا) به ایران و نیز ناتوانی دولت عثمانی از تأمین امنیت و تأدیه خسارات وارده به کربلا و پرداخت خون بهای شهدای حادثه عید غدیر ۱۲۱۶ قمری، روابط ایران و عثمانی به تیرگی گراییده بود. بنابراین نخست میرزا علی و سپس میرزا محمد رضای قزوینی مأمور شدند تا در مسیر سفارت خود به فرانسه، برای تشریح سیاست دولت ایران نسبت به مقابله با کفار روس و جهال وهابی با سلطان عثمانی مذاکره و پیام شاه ایران را به سلطان ابلاغ کنند.

در این شرایط مکه نیز به اشغال وهابیان درآمد و سعود بن عبدالعزیز در پایان سال ۱۲۲۰ قمری امور حرمین شریفین را در اختیار گرفت. وی در سال ۱۲۲۲ قمری تصمیم گرفت دوباره به مدینه منوره برود و بناهای باقی مانده بر مزار متبرک امامان شیعه، خاندان و صحابه پیامبر ﷺ را در بقیع ویران کند. او با جسارت تمام به صورت مسلح وارد مقبره پیامبر عظیم الشان شد و ذخایر خزانه نبوی را غارت کرد. بقیع تخریب شده: بقیع دارای بقاع متعددی بود که تقریباً همه آنان در سال ۱۲۲۰ قمری و پس از آنکه مدینه به محاصره نیروهای وهابی درآمد و شهر تسلیم شده سعود بن عبدالعزیز همراه توقیف و تصرف همه اموال موجود در خزائن حرم نبوی،



دستور ویران کردن همه گنبد‌های بقیع را صادر کرد (غالب، ۱۳۹۵ق، ص ۱۰۴؛ عثمان بن بشر، ۱۴۲۳ق، ص ۱۳۷؛ یوسف الهاجری، ۱۴۱۱ق، ص ۸۴) که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) گنبد حرم امامان بقیع و عباس بن عبدالمطلب: این بنا در دوره سلجوقیان و به دست مجدالملک براوستانی قم وزیر برکیارق سلجوقی (حک: ۴۸۶-۴۹۸ق) ساخته شده بود (ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۱۴) و تعمیراتی در سال ۵۱۹ قمری به دست مسترشد بالله (حک: ۴۸۵-۵۲۹ قمری) و میان سال‌های ۶۲۳-۶۴۰ قمری به دست المستنصر بالله (حک: ۶۲۳-۶۴۰ق) تعمیراتی در آن انجام گرفته بود. (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۱۰۰)

ب) قبه و بارگاه اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام: این بنا در عصر فاطمیان اسماعیلی مذهب ساخته شده بود و دارای شکوه و جلال بود. (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۱۰۳)

ج) مسجد بقیع در قبرستان بقیع، غرب مدفن عقیل و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، در امتداد دیوار غربی بقیع، روبه روی قبور ائمه. (فاندان، ۱۳۷۴، صص ۳۳۷-۳۲۸)

د) گنبد منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام که به بیت الاحزان شهرت داشت.

ه) بقعه قبر عثمان بن عفان، مالک و نافع نیز از دیگر بقاع تخریب شده در بقیع هستند.

افزون بر این مساجد و خانه‌های تاریخی به دستور سعودی‌ها و بر پایه آیین وهابیت همه مقابر بلندتر از سطح زمین، گنبد‌ها و بارگاه‌ها همچون بقعه‌های قبرستان بقیع ویران شدند (مغنیه، ۱۹۶۴، ص ۱۳۹).

بوکهارت که در ۱۲۳ قمری (۱۰ سال پس از تخریب اول بقیع) به مدینه سفر کرده

بود، وضعیت این آرامستان را به صورت تل‌هایی از خاک و حفره‌هایی وسیع و پشته‌هایی از زباله توصیف کرده و نوشته است که وهابی‌ها بناها و زیارتگاه‌های موجود در بقیع را تخریب کرده بودند و ویرانه‌های آنها در زمان بازدید وی هنوز باقی بوده است، اما آنها به قبور سنگی معمولی موجود در بقیع دست نزده بودند. (خامه یار، ۱۴۰۱، ص ۲۸)

### بازتاب تخریب اول بقاع بقیع

تخریب بناهای اسلامی و خشونت بیش از حد وهابیان خشم مسلمانان را برانگیخت و همراه عواملی دیگر مانند شکست دادن قوای وهابی در قطیف از سوی نیروهای ایران یا نیروهای امام مسقط، شایعه مرگ سعود بن عبدالعزیز و خرسندی دستگاه صدارت عثمانی و تدارک برای اعزام نیرو به حجاز و نجد، زمینه سقوط آل سعود را در سال ۱۲۲۸ قمری فراهم آورد. (هاجری، ۱۴۱۱ق، ص ۹۰؛ بنگاش، ۱۳۶۸ش، ص ۵۷) چنان‌که با توجه به موج اعتراض مسلمانان کشورهای اسلامی به اهانت‌های سعودیان، امپراتوری عثمانی که از سال ۹۲۳ هجری بر حرمین شریفین تسلط یافته بود، و اکنون این کانون‌های دینی از دست این دولت خارج شده بود برای بازپس‌گیری حرمین اقدام کرد. البته نباید از نظر دور داشت که با انتشار لشکرکشی ایران و موفقیت‌های به دست آمده در درعیه، دولت عثمانی در صد برآمد تا سیاست سرکوب وهابیان نجد را دوباره در دستور کار قرار دهد و خدیو مصر محمد علی پاشا را بدین منظور برگزید. ورود مصر به مسائل نجد و حجاز تأثیر مهمی داشت. برخلاف سپاهیان والی بغداد، که گروهی گردآمده از عناصر گوناگون نژادی - فرهنگی بودند و روابط عشیره‌ای - قبیله‌ای را بر اجرای فرمان‌های فرماندهان عالی برتری می‌دادند، سپاه مصری انسجام و پیوستگی بیشتری داشت. سرانجام

قوای مصری در ذی حجه ۱۲۲۷ قمری مدینه را پس از سه هفته محاصره از دست آل سعود خارج ساختند. نبرد اصلی در منطقه الجدیده روی داد و قوای مصری تازه نفس به فرماندهی احمد بن نابت، خزانه دار مخصوص محمد علی پاشا، توانستند با ایجاد نقب از ناحیه قبرستان بقیع، وارد شهر شوند و قوای سعودی را شکست دهند. (ص ۱۳۵)

نبردهای متعدد دیگری نیز میان نیروهای وهابی و مصری در سال های بعدی رویداد که سرانجام در ۱۲۳۳ قمری با تسلیم عبدالله بن سعود به نیروهای مصری و سقوط درعیه پس از هفت ماه محاصره و هلاکت چهارده هزار نفر و اسارت شش هزار نفر دولت مستقل نجد و حجاز به پایان رسید. (ص ۱۴۵)

### بازسازی مجدد بقیع

با سقوط دولت اول آل سعود به دست ابراهیم پاشا حجاز از سلطه آل سعود خارج شد (امین ریحانی، ۱۹۲۸م، ص ۶۷). در پی آن با توجه به موج اعتراض های مسلمانان سرزمین های مختلف به اهانت های سعودیان، برخی از بقعه های تخریب شده در سال ۱۲۳۴ قمری به دستور سلطان محمود ثانی (حک: ۱۲۲۳-۱۲۵۵ق) بازسازی شد. (جعفریان، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۱۹۶) اما با حمله دیگر بار وهابیان. همه آثار تاریخی این قبرستان به فتوای شیخ عبدالله بلیهد، قاضی القضاة سعودی، به بهانه شرک و بدعت بودن زیارت قبور، در هشتم شوال ۱۳۴۴ قمری ویران شد. (هاجری، ۱۴۱۱ق، ص ۱۱۳-۱۳۹؛ امینی، ۱۴۲۸ق، ص ۴۹)

### نتیجه

بقیع از همان آغازین سال های هجرت رسول الله ﷺ به مدینه منوره، از سوی آن حضرت به مکان دفن درگذشتگان مسلمانان تعیین شد. در این آرامستان

افزون بردفن تعدادی از اهل بیت علیهم السلام، بسیاری از صحابه، تابعین، اندیشوران، صاحب منصبان و... دفن شدند. با توجه به استحباب زیارت بقیع، در گذر زمان بناها و بقعه‌هایی روی برخی از مزارهای شخصیت‌های مدفون در آن ساخته شد. این بقاع تا سال ۱۲۲۰ هجری در آرامستان بقیع مشهود و با اقبال مسلمانان مواجه بود، اما با تسلط آل سعود و وهابیت حامی آنان بر مدینه به این دلیل که آنان بنای بر قبور را بدعت و شرک می‌دانستند و نیز به انگیزه‌های دیگری به تخریب بقعه‌های موجود پرداختند.

در پی چنین اقدام‌های وحشتناک وهابیان، اعتراض‌هایی علیه آنان صورت گرفت و دولت عثمانی نیز که بی‌میل برای تسلط دوباره بر حرمین شریفین نبود، پاشای مصر را مأمور سرکوب آل سعود کرد که نتیجه آن منجر به سقوط دولت اول آل سعود شد. با تسلط مجدد دولت عثمانی بر مدینه بیشتر بقاع بقیع بازسازی شد. اما سوگمندانه این بقاع در دولت سوم آل سعود و حدود یکصد سال پیش، در هشتم شوال ۱۴۴۴ قمری برای بار دوم تخریب شد و مطالبه مسلمانان برای بازسازی آنها نیز تا کنون بی‌نتیجه مانده است.

### منابع

۱. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۱۷ق)، الکامل فی التاریخ، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دارالکتاب العربی.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۴ش)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، به کوشش طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، قم، اسماعیلیان.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۲۳ق)، الاخنائیة، به کوشش الدانی بن منیر، بیروت، مکتبه العصریة.

٥. ----- (١٤٠٨ق)، الفتاوى الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطاء ومصطفى عبدالقادر عطاء، بيروت، دارالكتب العلمية.
٦. ابن سعد، محمد بن سعد (١٤١٠ق)، الطبقات الكبرى، به كوشش محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية.
٧. ابن عبد البر، يوسف بن عبد البر (١٤١٥ق)، الإستيعاب فى معرفة الاصحاب، به كوشش على محمد معوض، عادل احمد عبدال موجود، عبدالمنعم البرى وجمعه طاهر النجار، بيروت، دارالكتب العلمية.
٨. ادهمى، محمد مظفر (١٩٩٩م)، آل سعود الاصل والسلوك، بغداد، دار الشئون الثقافيه العامه.
٩. الامين، محسن (١٤٠٣ق)، اعيان الشيعة، به كوشش سيدحسن الامين، بيروت، دارالتعارف.
١٠. ----- (١٣٧٤ش)، كشف الارتباب فى اتباع محمد بن عبدالوهاب، قم، دارالكتاب الاسلامى.
١١. بنگاش، ظفر (١٣٦٨ش)، كشتار مكه و آينده حرمين، ترجمه هادى دبستانى، تهران، سروش.
١٢. پژوهشكده حج و زيارت (١٣٩٢)، دانشنامه حج و حرمين شريفين، تهران، مشعر.
١٣. پورامينى، محمد امين (١٤٢٨ق)، بقيق العرقد فى دراسة شاملة، تهران، مشعر.
١٤. جبرتى، عبد الرحمان (بى تا)، عجائب الآثار، بيروت، دار الجيل.
١٥. جعفرى، رسول (١٣٨٩ش)، پنجاه سفرنامه حج قاجارى، تهران، علم.
١٦. حافظ وهبه (١٣٤٠ق)، جزيرة العرب فى القرن العشرين، قاهره، مكتبة النهضة المصرية.
١٧. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (١٤١١ق)، المستدرک على الصحيحين، به كوشش مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية.
١٨. حسين خلف (٢٠٠٨م)، تاريخ الجزيرة العربية فى حياة الشيخ محمد بن عبدالوهاب، بيروت، دار ومكتبة الهلال.
١٩. خامه يار، احمد، (١٤٠١)، بهشت بقيق، تهران، انديشه ميراث.
٢٠. خليلى، جعفر (١٩٨٧م)، المدخل الى موسوعة العتبات المقدسة، بيروت، مؤسسه الأعلمى.
٢١. ريحانى، امين (١٩٢٨م)، تاريخ نجد الحديث وملحقاته، بيروت، مطبعة العلمية ليوسف صادر.
٢٢. زينى دحلان، احمد (١٣٩٦ق)، الدرر السننية فى الرد على الوهابية، استانبول، دار الشفقه.

٢٣. ----- (١٩٧٨م)، فتنة الوهابية، استانبول، مكتبة ايشيق / دار الشفقة.
٢٤. سبحانى، جعفر (بى تا)، صيانة الآثار الاسلامية، معاونيه التعليم و البحوث الاسلاميه.
٢٥. سمهودى، على بن عبدالله (٢٠٠٦م)، وفاء الوفا باخبار دار المصطفى، به كوشش محمد محيى الدين عبدالحميد، بيروت، دارالكتب العلميه.
٢٦. عثمان بن بشر (١٤٢٣ق)، عنوان المجد فى تاريخ النجد، نجدى الحنبلى، رياض، مكتبه الملك عبدالعزيز العامه.
٢٧. غالب، محمد اديب (١٣٩٥ق)، من اخبار الحجاز و النجد فى تاريخ الجبرتى، رياض، دار اليمامه.
٢٨. فراهيدى، خليل بن احمد (١٤١٤ق)، العين (ترتيب العين)، به كوشش بكايى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى.
٢٩. فرهاد ميرزا معتمد الدوله (١٣٦٦ش)، سفرنامه فرهاد ميرزا (هداية السبيل و كفاية الدليل)، تصحيح غلام رضا طباطبايى، تهران، علمى.
٣٠. قائدان، اصغر (١٣٧٤)، تاريخ و آثار اسلامى مکه مكرمه و مدينه منوره، تهران، مشعر.
٣١. قرطبى، محمد بن احمد (١٤١٧ق)، تفسير قرطبى (الجامع لاحكام القرآن و المبين لما تضمن من السنة و اى الفرقان)، بيروت، دارالكتب العلميه.
٣٢. مغنيه، محمد جواد (١٩٦٤م)، هذه هى الوهابية، بيروت، دارالعلم للملايين.
٣٣. موجانى، سيدعلى (١٣٩٠)، عقيقى بخشايشى، اميررضر، تقارير نجد، قم، كتابخانه تخصصى تاريخ اسلام و ايران.
٣٤. ناصر سعيد (١٤٠٤ق)، تاريخ آل سعود، مکه، دار مکه.
٣٥. هاجرى، يوسف (١٤١١ق)، البقيع قصة تدمير آل سعود للآثار الاسلامية فى الحجاز، بيروت، مؤسسه البقيع لحياء التراث.